

به نام خدای مهربان

## اولین کتاب علمی من - ۶

# گربه کوچولوی سفید و خفاش

نوشته‌ی جف ورینگ • ترجمه‌ی دکتر سارا سیدناصری • بازنوشته‌ی حسین فتاحی



در سی و سومین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (پهمن ۱۳۹۴) به عنوان اثر شایسته‌ی تقدیر شناخته شده است.



این اثر توسط داوران و کارشناسان دبیرخانه‌ی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی دفتر تکنولوژی آموزشی و کمک‌آموزشی آموزش و پرورش، مناسب و مرتبط با برنامه‌های درسی دوره‌ی آموزش ابتدایی دانسته شده است.



ناشر پیشرو در انتشار کتاب‌های کمک‌آموزشی برای مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها

واحد کودک و نوجوان  
موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر

دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره ۲۰، طبقه همکف واحد ۱  
تلفن: ۶۶۴۱۰۰۴۱ (خط ۵) • تلفکس: ۶۶۴۶۸۲۶۳ • کد پستی: ۱۳۱۵۸۴۴۵۴۷  
سامانه پیامکی: ۳۰۰۶۶۶۶۳ • www.zekr.co • @ghasedakbooks

- گربه کوچولوی سفید و خفاش
- سرشناسه
  - نویسنده و تصویرگر: جف ورینگ
  - مترجم: دکتر سارا سیدناصری • بازنویسی: حسین فتاحی
  - عنوان و نام پدیدآور
  - مشخصات نشر
  - فرست
  - شهرزاد شوشتریان
  - مشخصات ظاهری
  - لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۳/۵۱۵
  - وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
  - تیراژ: ۱۵۰۰ جلد • چاپ سوم: ۱۳۹۸
  - شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۵۴۶-۰
  - شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۰۸-۲
  - موضوع
  - کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای
  - شناسه افزوده
  - رده‌بندی دیویی
  - موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.
  - شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۷۱۴۶۰
- وارینگ، جف Waring, Geoff
- گربه کوچولوی سفید و خفاش / نوشته‌ی جیوآف ورینگ؛ ترجمه‌ی سارا سیدناصری.
- تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک.
- ماجرای گربه سفید کوچولو؛ ۶ ص: مصور (رنگی).
- ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۵۴۶-۰
- عنوان اصلی: Oscar and the bat.
- گروه سنی: الف، ب، ج.
- داستان‌های حیوانات، داستان‌های علمی، داستان‌های تخیلی، صداها
- سیدناصری، سارا، ۱۳۶۳، مترجم
- ۱۳۹۱ خ و گ ۱۷۶ و ۵۰۰ دا



بعد از ظهر بود و هوا گرم. گربه کوچولو توی چمن زار گردش می کرد که ناگهان صدایی را شنید. اطرافش را نگاه کرد. خفاشی به طرف او پرید و گفت: «صدای جوجه هاست. جوجه های پرنده ای که لابه لای علف ها لانه ساخته است...» گربه کوچولو گفت: «صدایشان را می شنوم، اما خودشان را نمی بینم!»

خفاش گفت: «درست است. گاهی ما نمی توانیم پرنده ها یا حیوان ها را ببینیم، اما صدای آن ها را می شنویم.»







چه چه چه چه

باز هم گربه کوچولو، صدای دیگری را شنید. به طرف صدا نگاه کرد و پرستو را دید که آواز می‌خواند. خفاش گفت: «پرستوها، با آوازشان به دیگران می‌گویند که به لانه‌ی آنها نزدیک نشوند.»

گربه کوچولو گفت: «چه صدای قشنگی! کاش من هم می‌توانستم، مثل پرستوها آواز بخوانم.»

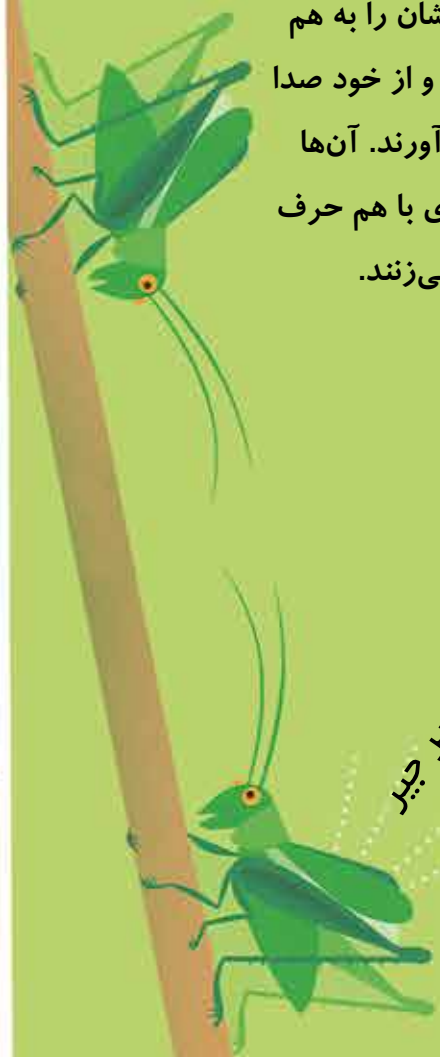


خفاش گفت: «بچه گربه‌ها هم از خودشان صدا درمی‌آورند. همین‌طور خفاش‌ها.»

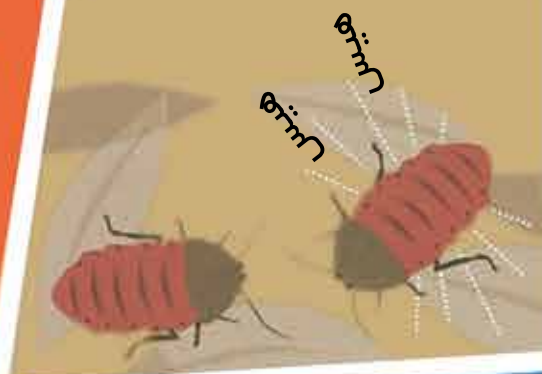
ما به وسیله‌ی دهان و گلویمان، صدا ایجاد می‌کنیم. اما بعضی حیوان‌ها با اعضای دیگری از بدنشان.



جیرجیرک‌ها و ملخ‌ها، بال‌هایشان را به هم می‌مالند و از خود صدا درمی‌آورند. آن‌ها این‌طوری با هم حرف می‌زنند.



بعضی از سوسک‌ها، از سوراخ‌های ریزی که روی بدنشان هست، صدا تولید می‌کنند و با هم حرف می‌زنند.



مرغ مگس‌خوار بال‌هایش را به هم می‌زند و صدای بلندی تولید می‌کند. این صدا باعث می‌شود که بقیه‌ی پرنده‌ها به او نزدیک نشوند.



جیررر سوووو غیز



دلفین‌ها، به وسیله‌ی سوراخ‌هایی که روی سرشان است، صدا تولید می‌کنند و یک‌دیگر را صدا می‌زنند.

دم مار زنگی از استخوان درست شده. وقتی حیوانی به این مار نزدیک شود، او دمش را تکان می‌دهد و صدایی در می‌آورد و دشمنش را فراری می‌دهد.

درق درق

